

روایتی از یک بانوی فرمانده هلال احمر

که در هیاهوی جنگ پناه امدادگران و آسیب دیدگان بود

صعود از دل آوار تاقله ایشار

گفت و گو

ملیحه محمود خواجه/ در میان تاریک‌ترین شب‌های تهران، وقتی که صدای انفجار خواب را از چشم‌ها ربود و اضطراب خانه به خانه شهر را فرا گرفت، چراغ امید پایگاه امداد منطقه ۲۲ لحظه‌ای خاموش نشد؛ نوری که ساجده تقی‌نژاد فرمانده پایگاه به همراه امدادگران جمعیت هلال احمر که با عشق و ایمان به انسانیت، در سخت‌ترین لحظات جان خود را برای نجات دیگران به خطر می‌اندازند قهرمانانه آن را روشن نگه داشتند.

زن مقاوم و فرمانده‌ای خستگی‌ناپذیر، که نه تنها سال‌ها برای یاری‌رسانی به هموطنانش ایستاد، بلکه در بی‌پناه‌ترین لحظات بحران، پناهی برای نیروهای امدادگر

طاقت‌فرسا بود. ساعتی نگذشته بود

که خبر اصابت موشک به منطقه دیگر نیز رسید. او به یاد می‌آورد: "در حین آماده‌سازی وسایل و تجهیزات، ناگهان خبر تلخی به گوش رسید: 'بچه‌ها را

زدند... دوباره زدند. در این لحظه او با وجود تمام خطرات و موانع، تصمیم خود را می‌گیرد. به خوبی می‌دانست که منطقه مورد هدف قرار گرفته یک منطقه نظامی است و ورود به آن برای یک زن، ممکن است با مخالفت‌هایی روبه‌رو شود. اما مسئولیت‌پذیری و حس وظیفه‌شناسی او، بر تمام این ملاحظات غلبه می‌کند. " فکر نمی‌کردم اجازه بدهند وارد آنجا بشوم، ولی وقتی دیدند که من مسئول منطقه هستم، دیگر ممانعت نکردند."

عملیات سخت در دوکوهه

اما این پایان ماجرا نبود. در روزی که محله دو کوهه مورد اصابت موشک

و آسیب‌دیدگان شد.

او با تلفن‌هایی که پشت‌هم زنگ می‌زدند، دوربین‌هایی که همیشه چشم انتظار چهره استوارش بودند و صدایی که آرامش به دل و حشمت‌زده شهر می‌ریخت، اجازه نداد دلهره جای همدلی را بگیرد. ساجده تقی‌نژاد، برای تیمش مادر بود؛ برای شهرش امید، و برای دشمن، نشانی از ایستادگی و ایمان یک ملت. جراحات فیزیکی و زخم‌های روحی، هرگز سد راهش نشدند. او در میانه خطر، پیشاپیش همه ایستاد، نه برای اینکه فرمانده بود، که برای اینکه نقطه اتکای دل‌های خسته و بی‌پناه بود.

حالا، قصه ساجده تقی‌نژاد، قصه مادری است که جان خود را وقف همدلی با مجروحان و همیاری با فرزندان امدادگرش کرده؛ قصه‌ای که یادآور می‌شود در هیاهوی جنگ و درد، هنوز قلب‌هایی هستند که تا آخرین نفس برای امید و زندگی می‌تپند.

قرار گرفت، ساجده تقی‌نژاد بار دیگر خود را در خط مقدم می‌یابد. او با صدایی لرزان از آن روز می‌گوید: "دو کوهه، سخت‌ترین روز بود. چون در دو کوهه، ما را هدف قرار دادند. ما در میدان جنگ وارد شده بودیم. آمبولانس‌ها را هدف قرار دادند. مجتبی ملکی و امیر حسن جمشیدی پور امدادگرانی بودند که مقابل چشمان ما پسر شدند. اما ما باید در میدان می‌ماندیم برای آنکه هنوز مجروح‌های زیادی زیر آوار بودند. ما ندیدیم با آنکه گوشه قلمبان از غم شهادت بچه‌هایمان زخم خورده بود" در محل اصابت با صحنه‌هایی روبرو می‌شود که هر شب به باغوس‌هایش تبدیل شده است. آوار، صدای ضجه مادران و پیکرهایی که زیر آوار مانده بودند. او با قاطعیت، فرماندهی عملیات را به دست می‌گیرد. می‌گوید: "اینجا دیگر بچه‌های امدادگر مورد هدف بودند و ما را می‌زدند. شهیدان جمشید پور و

ملکی امدادگران پرتلاش و با تجربه ای بودند که چندین سال از عمرشان را در پایگاه امداد و نجات سپری کرده بودند. جمشیدپور با وجود مشغله کاری، به محض شنیدن هشدارها و خبرهای وخیم، ۲۴ ساعته در پایگاه حاضر می‌شد. صدای انفجارها و فریاد مصدومان همه جا پیچیده بود. جمشید پور، اولین نفری بود که از آمبولانس پیاده شد و مستقیم به سمت اولین مصدومی که روی زمین افتاده بود رفت. او می‌دانست که جان آن فرد به کمک فوری نیاز دارد. اما دشمن بی‌رحم، ناجنگ‌مهربان‌ها را هدف قرار داد و به شهادت رسید. چند دقیقه بعد مجتبی ملکی امدادگر دیگر ما که برای امداد رسانی به کمک یکی از مجروحان رفته بود هدف قرار گرفت و او نیز به شهادت رسید. این دو مرد نمونه‌ای از ایثار و فداکاری بودند که جانشان را در راه مردم از دست دادند. آنها قهرمانان بی‌ادعایی بودند که لباس سرخ و سفید امداد



به تن داشتند و آمده بودند خدمت کنند. اما در حالی که دستشان پراز تجهیزات پزشکی بود و آماده نجات جان مردم، به شهادت رسیدند. «با وجود تمام این شرایط سخت و طاقت‌فرسا، تقی‌نژاد لحظه‌ای از یاری‌رسانی به هموطنانش غافل نمی‌شود. او در طول این ۱۲ روز، تنها سه شب را در منزل سپری کرده و مابقی شب‌ها را در پایگاه، در کنار نیروهایش بوده است. حتی جراحات‌های ناشی از انفجارها و زمین‌خوردن‌ها نیز نمی‌تواند او را از ادامه فعالیت بازدارد. او با فداکاری مثال‌زدنی می‌گوید: "من به خاطر این بچه‌ها با استقامت بیشتری ایستادم. اگر نخواهیدم، اگر درد و بی‌خوابی و خستگی را تحمل می‌کنم، برای این است که این بچه‌ها روی من حساب می‌شده‌اند اگر می‌شکستم، خسته می‌شدم یا از بی‌امداد نیروهای پایگاه که حکم بچه‌هایم هستند ناامید می‌شدند."



ساجده

تقی‌نژاد

نمونه‌ای

از صدها

امدادگری

است که این

روزها جانانه

برای نجات

کسانی که در

آوار حملات

دشمن گرفتار

شده‌اند تلاش

می‌کنند. آنها

نمادی از ایثار،

فداکاری،

مقاومت و

امید هستند

که در

سخت‌ترین

شرایط، با

صلابت و

استقامت

در کنار

هموطنان

ایستاده‌اند تا

امید را به دل

خانواده‌هایی

که

چشم‌انتظار

خبری از

عزیزان گرفتار

در زیر آوار

جنگ هستند

هدیه‌کنند

و از شهر خارج شده‌اند، ولی آن‌ها می‌گویند: "بسیاری از این بچه‌ها، با وجود اینکه شاغل هستند، از روز اول به پایگاه آمدند و ۲۴ ساعته در اینجا حضور دارند. خیلی از آن‌ها، حتی خانواده‌هایشان هم در تهران نیستند

او با افتخار از نیروهایش یاد می‌کند و می‌گوید: "بسیاری از این بچه‌ها، با وجود اینکه شاغل هستند، از روز اول به پایگاه آمدند و ۲۴ ساعته در اینجا حضور دارند. خیلی از آن‌ها، حتی خانواده‌هایشان هم در تهران نیستند

یک زخم کهنه



برش

ساجده به حادثه تلخی هم که در سال گذشته برایش رخ داد اشاره می‌کند. او با صدایی آرام و اندوهگین می‌گوید: "دقیقاً پارسال، در ایام عید نوروز یک تصادف خیلی سخت برای من اتفاق افتاد. همسر، دختر ۲۰ ساله‌ام و برادرزاده ۱۳ ساله‌ام را در این تصادف از دست دادم و خودم نیز به شدت آسیب دیدم و تا آستانه مرگ پیش رفتم. "او ادامه می‌دهد: "امید به زنده ماندن من خیلی کم بود. ریه‌هایم آسیب دیده بود، مهره‌های کمرم شکسته بود، دست چپ و پای راستم هم آسیب دیده بود. نمی‌دانم شاید معجزه بود تا از آن تصادف به زندگی برگردم. پسر من خیلی تلاش کرد که من را زنده برگرداند. حدود ۱۸ روز در بیمارستان بندر لنگه بودم. به دلیل مشکل ریه‌ام نمی‌توانستند من را به تهران منتقل کنند اما به هر حال با حمایت‌های انجام شده برای ادامه درمان به تهران منتقل شدم. حدود ۸ ماه طول کشید تا از بستر بیماری بلند شوم. ولی وقتی برگشتم، با خودم عهد کردم که هم مقاوم‌تر شوم و هم کسی من را ناامید نبیند. دوست ندارم که این خاطره من، باعث ناراحتی دیگران شود. من آن تلخی‌خاطرتم را با خودم همراه دارم، اما نمی‌خواهم دیگران را با این خاطره تلخ ناراحت کنم و شاید امروز، اگر من اینقدر مقاوم هستم، به خاطر همان حادثه است که برابرم رخ داد. من الان با خودم فکر می‌کنم که شاید آن روزی که خداوند خواست من از آن ماشین مجاله شده با آن همه جراحات زنده بیرون بیایم، امروز باید در واقع کمک این هموطنانم باشم. شاید خداوند من را برای همین روز نگه داشته است. «

ساجده تقی‌نژاد نمونه‌ای از صدها امدادگری است که این روزها جانانه برای نجات کسانی که در آوار حملات دشمن گرفتار شده‌اند تلاش می‌کنند.



آنها نمادی از ایثار، فداکاری، مقاومت و امید هستند که در سخت‌ترین شرایط، با صلابت و استقامت در کنار هموطنان ایستاده تا امید را به دل خانواده‌هایی که چشم انتظار خبری از عزیزان گرفتار در زیر آوار جنگ هستند هدیه کنند.

فراخوان
دعوت به مناقصه عمومی

الف. مناقصه‌گزار: شرکت بازرگانی هلال احمر ایرانیان

ب. موضوع مناقصه:

- خرید پل و پایه (سازه) جاده‌های امدادی تیپ ۲ مطابق با مشخصات فنی پیوست به تعداد ۱۲۵۰۰۰ دستگاه
- خرید میخ جاده‌های امدادی تیپ ۲ مطابق با مشخصات فنی پیوست به تعداد ۱۰۷۵۰۰۰۰ عدد (در بسته‌های ۱۴ عددی)
- ت. تضمین لازم برای شرکت در مناقصه:** ضمانت‌نامه بانکی در وجه شرکت و یا فیش واریزی نقدی به حساب شرکت بازرگانی هلال احمر ایرانیان به مبلغ ۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطابق با برگه شرایط شرکت در مناقصه عمومی
- ث. مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه:** معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۳۶۶۴۹۳۷۶۳۰۰۶ نزد بانک ملی به نام شرکت بازرگانی هلال احمر ایرانیان بابت خرید اسناد مناقصه
- ج. مهلت جهت دریافت اسناد مناقصه:** در ساعات اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۲۳
- ح. مهلت تحویل پاکت‌ها:** تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸
- خ. محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه و گشایش آن:** تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان قائم مقام قزقانی، خیابان میرزا حسینی، پلاک ۱۶، ساختمان هلال، طبقه دوم، شرکت بازرگانی هلال احمر ایرانیان.
- د. شماره تماس:** ۰۲۱۸۸۱۰۶۴۰۸ - داخلی ۲۸۶.
- ذ. به پیشنهادی فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهای که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.**
- ر. سایر موارد در اسناد مناقصه درج گردیده است.**

بانک اقتصادنیون
ENBANK

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای ۱۴۰۴-۰۴۱۰

- شرح مختصر موضوع مناقصه: استخراج تصویربرداری و تدوین کتاب برند بانک اقتصاد نیون
- مهلت و محل دریافت اسناد: از ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ مراجعه به سایت بانک اقتصاد نیون بخش مناقصه و مزایده‌ها به آدرس www.enbank.ir امکانپذیر می‌باشد.
- مهلت و محل تحویل پیشنهاد: حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ به نشانی: تهران، خیابان ولیعصر۱۳، روبروی بزرگراه هاشمی رفسنجانی، بلوار اسفندباد، پلاک ۲۴ دبیرخانه بانک اقتصاد نیون تحویل و رسید دریافت نمایند.
- اسناد و مدارک دریافتی به عنوان پیشینه نزد بانک اقتصاد نیون می‌ماند.

تلفن ۲۴۵۹۴۲۱۷-۲۴۵۹۴۲۳۵-۲۴۵۹۴۲۸۷

IRAN DAILY
1877
www.newspaper-iran-daily.com

آگهی مناقصه عمومی نوبت اول

فراگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) – موسسه شهید رجایی در نظر دارد عملیات اجرایی سوراخ کاری و کاشت بولت و میلگرد ۱۶ در بتن بهمهز تهیه چسب هیلتی و تمیزکاری را از طریق مناقصه عمومی برونسپاری نماید.

- مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ می باشد.
- لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به به آدرس: تهران، بزرگراه آیت الله سعیدی، خیابان ۴۵ متری زرنند، جنب حریم راه آهن، خیابان وحید، دفتر مرکزی پروژه تکمیل احداث باغ راه حضرت فاطمه(س) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱۷۹۲۳۵۰۰۰ داخلی ۶۱۳۰۹ مسئول امور پیمان ها و مناقصات پروژه مهندس خاندانی تماس حاصل نمایند.
- تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۳,۴۸۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطابق با آیین نامه تضمین دولتی می باشد.
- نحوه پرداخت: ۳۰٪ نقدی و ۷۰٪ تهاتر با املاک و مستغلات می باشد.
- هزینه چاپ آگهی مناقصه در روزنامه، به عهده برنده مناقصه می باشد.

آگهی مناقصه عمومی نوبت اول

فراگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) – موسسه شهید رجایی در نظر دارد خرید چراغ روشنایی طبق مشخصات فنی درخواستی خریدار را از طریق مناقصه عمومی برونسپاری نماید.

- مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ می باشد.
- لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به به آدرس: تهران، بزرگراه آیت الله سعیدی، خیابان ۴۵ متری زرنند، جنب حریم راه آهن، خیابان وحید، دفتر مرکزی پروژه تکمیل احداث باغ راه حضرت فاطمه(س) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱۷۹۲۳۵۰۰۰ داخلی ۶۱۳۰۹ مسئول امور پیمان ها و مناقصات پروژه مهندس خاندانی تماس حاصل نمایند.
- تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۲,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطابق با آیین نامه تضمین دولتی می باشد.
- نحوه پرداخت: ۱۰۰٪ تهاتر با املاک و مستغلات می باشد.
- هزینه چاپ آگهی مناقصه در روزنامه، به عهده برنده مناقصه می باشد.

آگهی مناقصه عمومی نوبت اول

فراگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) – موسسه شهید رجایی در نظر دارد مناقصه عملیات تکمیلی سفک کاری و نازک کاری کارگاه سعیدی غربی مطابق مشخصات فنی و نقشه های ابلاغی کارفرما را از طریق مناقصه عمومی برونسپاری نماید.

- مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ می باشد.
- لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به به آدرس: تهران، بزرگراه آیت الله سعیدی، خیابان ۴۵ متری زرنند، جنب حریم راه آهن، خیابان وحید، دفتر مرکزی پروژه تکمیل احداث باغ راه حضرت فاطمه(س) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱۷۹۲۳۵۰۰۰ داخلی ۶۱۳۰۹ مسئول امور پیمان ها و مناقصات پروژه مهندس خاندانی تماس حاصل نمایند.
- تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مطابق با آیین نامه تضمین دولتی می باشد.
- نحوه پرداخت: ۳۰٪ نقدی و ۷۰٪ تهاتر با املاک و مستغلات می باشد.
- هزینه چاپ آگهی مناقصه در روزنامه، به عهده برنده مناقصه می باشد.

کمپین
کاروان همدلی

جمع‌آوری مواد غذایی و دارو برای مددجویان

شماره کارت بانک تجارت
۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

شماره کارت بانک سپه
۵۸۹۲۱۰۱۱۲۱۶۷۵۳۸۹

پرداخت آنلاین در سایت
charityvahdat.ir

مرکز خبر به نگهداری از دختران معلول ذهنی

شماره ثبت: ۳۹۱۱

پاسداران - انتهای بوستان دوم(خیابان اخوان). خیابان شهید مجید افشاری(ساقدوش). کوچه وحدت. پلاک ۴ و ۱۱

Vahdatiha ۰۹۰۲۲۹۴۷۰۱۴ ۰۹۳۰۴۶۶۱۵۳۹ ۰۲۱-۲۲۹۴۷۰۱۴ ۰۲۱-۲۲۹۴۷۰۱۴